

## موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در مقالات نقد کتاب‌های ادبیات فارسی

\*

علی رضاقلی فامیان\*

استادیار زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور

### چکیده

تعامل میان نویسنده و خواننده متن نخستین بار در انگاره نظری فراگفتمان هایلند و ذیل دو مفهوم «موضوع‌گیری» و «مشارکت‌جویی» مطرح شد. در قالب این انگاره، نویسنده هر متن به‌طور (نا)خودآگاه با عناصر زبانی مختلف شامل «تردیدنماها»، «یقین‌نماها»، «نگرش‌نماها» و «ارجاع به خود»، موضع خود را درباره مفاهیم و پدیده‌ها اعلام می‌کند و همچنین، با استفاده از عناصری نظیر «ضمیر خواننده»، «جملات امری»، «جملات پرسشی»، «دانش مشترک» و «جملات معترضه»، مشارکت خواننده را در خوانش متن جلب می‌کند. در پژوهش حاضر، محقق مقالات نقد کتاب‌های ادبیات فارسی را براساس انگاره هایلند بررسی کرده است. پیکره مطالعه شامل صد مقاله نقد ادبی (پنجاه مقاله از نشریات دانشگاهی و پنجاه مقاله از نشریات عمومی) است. پس از شناسایی، استخراج و شمارش داده‌ها، مشخص شد که نویسندگان مقالات نقد پیکره حاضر به‌ازای هر ۱۱/۷ کلمه، از یک واژه یا عبارت مربوط به موضوع‌گیری یا مشارکت‌جویی استفاده کرده‌اند. از میان عناصر زبانی مورد مطالعه، نگرش‌نماهای منفی و جملات امری به‌ترتیب، پربسامدترین و کم‌بسامدترین عناصر زبانی هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند منتقدان نشریات دانشگاهی از نشریات عمومی سخت‌گیرترند و در دهه ۱۳۸۰ در

\* نویسنده مسئول: famianali@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۸

مقایسه با دهه قبل، از نگرش‌نماهای بیشتری استفاده کرده‌اند. همچنین، بخش پایانی هر مقاله نقد تراکم‌ترین قسمت از نظر فراوانی عناصر موضع‌گیری و مشارکت‌جویی است. با در نظر گرفتن متغیر جنسیت درمی‌یابیم که منتقدان مرد دیدگاه‌های خود را با قاطعیت بیشتری ابراز کرده و زنان نیز در استفاده از عناصر زبانی مشارکت‌جویی از مردان پیشی گرفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** نقد کتاب، موضع‌گیری، مشارکت‌جویی، ادبیات فارسی.

### ۱. مقدمه

نقد و نقادی دارای سابقه‌ای طولانی است و نخستین اظهارنظرها در این زمینه را به فیلسوفان و سخن‌سنجان یونان باستان نسبت داده‌اند. در تمدن اسلامی نیز در فلسفه، کلام، شعر، ادب، علم و هنر، و نقد و نقض و شرح آثار رواج داشته است. نقد کتاب نیز که گونه‌ای خاص از مفهوم کلی نقد به‌شمار می‌آید، در جهان اسلام رایج بوده است. برای مثال، خرمشاهی به نقد آثار در *الفهرست* ابن‌ندیم (وفات ۳۸۰ق) و *کشف‌الظنون* حاجی‌خلیفه (کاتب چلبی، وفات ۱۰۶۷ق) اشاره کرده است. در عصر جدید هم نسخه‌های خطی و چاپی، و کتاب‌شناسی‌هایی مانند *الدریعه* آقابزرگ تهرانی شامل معرفی و ارزیابی کتاب است (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۱۵). اقبال آشتیانی (۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۸) معتقد است انتقاد ادبی در تاریخ ادبیات فارسی امری بی‌سابقه نیست و شاعران، ادیبان و سخن‌شناسان فارسی‌زبان اغلب در حاشیه آثار خود شعرها یا کتاب‌های دیگران را نقد کرده‌اند و حتی فن ویژه‌ای باعنوان «نقد الشعر» وضع شده است.

در کتاب *کتاب نقد و نقد کتاب* (خانه کتاب، ۱۳۸۶) مجموعه‌ای از مقالات در زمینه‌های مختلف، مانند آیین نقد کتاب و ضرورت نقد کتاب همراه نمونه‌هایی از نقد کتاب منتشر شده است. مقالات مندرج در این کتاب - که نگارش جمعی از نویسندگان مختلف است - در موضوعات متنوعی مانند اخلاق نقد، انتقاد ادبی، نقد‌گریزی و نقد‌پذیری، نقد بازار، آزادی و هرج و مرج در بازار کتاب، کتاب‌سازی و پخته‌خواری، و غیره است.

## ۲. بیان مسئله

تعامل<sup>۱</sup> نویسنده با خواننده از یک منظر، مفهومی ساده به‌شمار می‌آید. سادگی این مفهوم در آن است که کم‌وبیش هر نویسنده‌ای می‌داند که متن را برای مخاطبانی تقریباً مشخص می‌نویسد؛ از این‌رو ساختار و محتوای آن را متناسب با مخاطبان فرضی‌اش تنظیم می‌کند. همچنین، نویسنده می‌داند که متن بستری است برای بیان مواضع او و فرصتی است تا خواننده را با خویش همراه کند. از منظری دیگر، تعامل مفهومی انتزاعی و پیچیده است؛ زیرا همگان به‌طور کامل با معیارهای دقیق و عینی مربوط به تعامل نویسنده و خواننده آشنا نیستند و اظهارنظر دربارهٔ چگونگی تعامل میان نویسنده و خواننده، اغلب با طرح دیدگاه‌های شخصی و سلیقه‌ای همراه بوده است. نگارندهٔ مقاله حاضر کوشیده است براساس رویکردی کمی و با تکیه بر دو مفهوم کلیدی موضوع‌گیری<sup>۲</sup> و مشارکت‌جویی<sup>۳</sup>، چگونگی تعامل میان منتقد و خواننده را در مقالات نقد کتاب‌های ادبیات فارسی بررسی کند.

## ۳. پرسش‌های پژوهش

با توجه به گستردگی موضوع پژوهش حاضر و تأثیر عوامل مختلف، مانند نوع نشریه، متغیر زمان، بخش‌بندی مقالهٔ نقد و متغیر جنسیت، منتقد نگارنده می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- فراوانی عناصر زبانی موضوع‌گیری در مقالات نقد کتاب‌های ادبیات فارسی چه میزان است؟
- فراوانی عناصر زبانی مشارکت‌جویی در مقالات نقد کتاب‌های ادبیات فارسی چه میزان است؟
- آیا الگوی استفاده از عناصر زبانی موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در مقالات نقد نشریات دانشگاهی و نشریات عمومی تفاوت دارد؟
- آیا الگوی موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در طول بیست سال گذشته دستخوش تغییر شده است؟

- آیا فراوانی عناصر زبانی مورد استفاده در موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه مقالات نقد یکسان است؟
- آیا الگوی موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در میان منتقدان زن و مرد تفاوت دارد؟

#### ۴. پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت نقد و نقادی در علم و ادبیات، بررسی ساختار و محتوای زبانی و کلامی مقالات نقد کتاب چندان رونق نداشته است؛ به همین دلیل در این بخش می‌توان معدود مطالعات انجام‌شده در این زمینه را معرفی کرد. موتا-راث<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) با رویکردی ساختارگرا برای هر مقاله نقد کتاب، چهار گام (بخش) و چند زیربخش در نظر گرفت. پیکره تحقیق او شامل ۱۸۰ مقاله نقد کتاب در سه رشته شیمی، اقتصاد و زبان‌شناسی بود. یکی از یافته‌های موتا-راث این بود که شمار گام‌ها و زیربخش‌های درون گام‌ها در مقالات نقد هر سه رشته کم‌وبیش مشابه است. یکی دیگر از موارد تشابه این بود که در گام «معرفی فهرست مطالب»، در اغلب موارد زیربخش «معرفی فصل‌های کتاب» وجود دارد. یافته‌های موتا-راث و نیز محققان پس از او مانند دکاروالو<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) مؤید این مسئله است که مقالات نقد کتاب در رشته‌های مختلف علمی از نظر ساختار، تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند.

سوآرز<sup>۶</sup> و مورنو<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) با تکیه بر الگوی موتا-راث، ساختار مقالات نقد کتاب‌های دانشگاهی رشته ادبیات را در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی بررسی کردند. پیکره تحقیق آنان شامل بیست مقاله نقد انگلیسی و بیست مقاله نقد اسپانیایی بود. یافته‌های آنان نشان داد ساختار مقالات نقد کتاب‌های رشته ادبیات در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی (جز چند استثنا) شبیه به یکدیگر است و به این ترتیب، دستاورد نظری موتا-راث در حوزه ساختار مقالات نقد تثبیت شد.

در مطالعات زبانی و ادبی، طرفداران دیدگاه جنسیت‌گرا بر این باورند که میان متغیر جنسیت و استفاده از صورت‌های زبانی و راهبردهای کلامی ارتباط وجود دارد. تسه و هایلند<sup>۸</sup> (2009: 110) برای ارزیابی ارتباط میان متغیر جنسیت و استفاده از صورت‌های زبانی مربوط به هویت فردی، ۵۶ مقاله نقد کتاب در نشریات معتبر دو رشته فلسفه و

زیست‌شناسی را بررسی کردند و با تأکید بر عناصری مانند نگرش‌نماها<sup>۱۰</sup>، تردیدنماها<sup>۱۱</sup>، یقین‌نماها<sup>۱۱</sup> و نیز ساخت‌های امری و پرسشی دریافتند که مردان در بیان دیدگاه‌هایشان بیش از زنان از کلمات و عبارات یقین‌نما استفاده می‌کنند؛ به سخن دیگر، منتقدان مرد نظرهای خود را با قاطعیت بیشتری بیان می‌کنند.

### ۵. چارچوب نظری پژوهش

منسجم‌ترین مطالعه در زمینه تعامل نویسنده متن و خواننده را نخستین بار هایلند (۱۹۹۸) ذیل مفهوم فراگفتمان<sup>۱۲</sup> انجام داد. انگاره نظری هایلند در طول دو دهه توسط خود او و چند محقق دیگر مورد بازنگری قرار گرفت و سازکارهای آن در متون زبانی مختلف بررسی شد (Hyland, 2002 & 2005; Hyland & Tse, 2004).

در چارچوب نظری هایلند (1998، 2002 و 2005) تعامل نویسنده و خواننده متن حول دو مفهوم موضع‌گیری و مشارکت‌جویی بیان شده است. مفهوم کلی موضع‌گیری از این واقعیت سخن می‌گوید که نویسنده هر متن برای بیان دیدگاه و موضع خود از انواع کلمات و عبارات، شامل تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها و ارجاع به‌خود<sup>۱۳</sup> استفاده می‌کند. منظور از مفهوم مشارکت‌جویی نیز این است که نویسنده متن برای همراه کردن خواننده با خود و جلب مشارکت او در خوانش متن، به انواع عناصر زبانی، مانند ضمیر خواننده، جملات امری، جملات پرسشی، دانش مشترک<sup>۱۴</sup> و جملات معترضه متوسل می‌شود. ارزش این انگاره نظری در این است که مفهوم کلی و پیچیده تعامل را در قالبی مشخص و قابل بررسی صورت‌بندی می‌کند. البته، یادآوری می‌شود که این چارچوب نظری را می‌توان برای مطالعه انواع متون به‌کار برد؛ هرچند اهمیت این انگاره برای تجزیه و تحلیل متونی که اصولاً برای متقاعد کردن خواننده تهیه می‌شوند- مانند مقالات نقد کتاب- دوچندان جلوه می‌کند. جدول زیر طرح کلی عناصر زبانی موضع‌گیری و مشارکت‌جویی را همراه با مثال‌های فارسی نشان می‌دهد.

جدول ۱ تعامل نویسنده با خواننده در انگاره نظری هایلند

تردیدنما	«احتمالاً»، «شاید»، «به نظر می آید»، «گویی»	موضع گیری	تعامل
یقین نما	«باید»، «به طور قطع»، «حتماً»، «بی تردید»		
نگرش نما	مثبت: «ارزنده»، «مناسب»، «جامع»، «خوشبختانه»		
	منفی: «ناکافی»، «مبهم»، «ناکافی»، «متأسفانه»		
ارجاع به خود	«من»، «نگارنده»، «راقم این سطور»		
ضمیر خواننده	ضمیر متصل فاعلی در افعال «می بینیم»، «می خوانیم»	مشارکت جویی	
جمله امری	«رجوع کنید به مقدمه کتاب»		
جمله پرسشی	«آیا نویسنده در بیان منظور خود موفق بوده است؟»		
دانش مشترک	«همان طور که می دانیم.»		
جمله معترضه	«... دست کم را که در نظر بگیریم - ...»		

## ۶. پیکره پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل مقالات نقد منتشرشده در نشریات دانشگاهی و عمومی است. یکی از محدودیت های پژوهش، انتخاب مقالات نقد کتاب در نشریات دانشگاهی بود؛ زیرا این گروه از نشریات به طور معمول، مقالات علمی- پژوهشی منتشر می کنند و فراوانی مقالات معرفی و نقد کتاب در آنها ناچیز است. البته، در این دسته از نشریات مقالات متعددی درباره تحلیل آثار ادبی به چشم می خورد؛ اما این مقالات اغلب رویکردی پژوهشی دارند و با توجه به معیارهای مختلف، به سختی می توان آنها را در زمره مقالات نقد و بررسی کتاب طبقه بندی کرد. در این میان، نشریه نامه فرهنگستان استثناست؛ زیرا در هر شماره از این نشریه، چند مقاله نقد و بررسی کتاب منتشر می شود؛ به همین دلیل همچنان که در جدول شماره دو می بینیم،

هفده مقاله از جامعه آماری پژوهش حاضر از این نشریه انتخاب شده است. فهرست نشریات مورد استفاده در این پژوهش و فراوانی مقالات نقد انتخاب‌شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۲ فهرست نشریات پیکره پژوهش

نشریات عمومی		نشریات دانشگاهی		
فراوانی مقاله	نام نشریه	فراوانی مقاله	نام نشریه	
۱۰	ادبیات داستانی سوره مهر	۱۷	نامه فرهنگستان	۱
۸	بخارا	۸	پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان	۲
۸	کتاب ماه ادبیات	۶	مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران	۳
۵	ماهنامه جهان کتاب	۳	ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)	۴
۴	کلک	۳	مجله زبان و ادب دانشگاه علامه طباطبائی	۵
۳	فصلنامه ادبی-هنری گلستانه	۳	نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان	۶
۳	کارنامه	۲	شبه‌قاره (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)	۷
۲	فصلنامه نقد و بررسی کتاب تهران	۲	مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم	۸
۲	گلچرخ	۲	فصلنامه نقد ادبی	۹
۲	ایران‌نامه	۲	پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان	۱۰
۱	ماهنامه تخصصی اقلیم	۱	فصلنامه دانشکده ادبیات	۱۱

	نقد		دانشگاه تربیت معلم آذربایجان	
۱	سخن	۱	کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد	۱۲
۱	سوره	۵۰		مجموع
۵۰	مجموع			

### ۷. روش و محدوده زمانی پژوهش

در انتخاب صد مقاله نقد مورد استفاده در این مطالعه چند معیار مورد توجه بوده است: مقالات برگزیده صرفاً مربوط به نقد کتاب‌های تألیفی هستند و مقالات معرفی و نقد آثار غیرفارسی یا ترجمه شده کنار گذاشته شده‌اند؛ به منظور مقایسه تغییرات احتمالی متغیرهای پژوهش در طول زمان، مقالات نقد از نشریات منتشر شده در دو مقطع زمانی شامل دهه ۱۳۷۰ (۴۴ مقاله) و دهه ۱۳۸۰ (۵۶ مقاله) انتخاب شده‌اند؛ از آنجا که در این پژوهش متغیر جنسیت نیز مورد نظر بوده، از میان ۱۰۰ مقاله نقد انتخاب شده، ۳۳ مقاله به قلم منتقدان زن و ۶۷ مقاله به قلم منتقدان مرد است.

این پژوهش برپایه رویکردی عینی و کمی است؛ بنابراین محقق ابتدا تمام کلمات به کاررفته در هر مقاله را شمارش کرده و اطلاعات آماری مربوطه را به تفکیک نشریات دانشگاهی و عمومی و در سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه هر مقاله استخراج کرده است. جدول زیر شمار کلمات پیکره را به تفکیک سه بخش مقاله نشان می‌دهد.

### جدول ۳ شمار کلمات پیکره به تفکیک بخش‌های مقالات نقد

مجموع	نتیجه	بدنه	مقدمه	
۱۳۰۲۳۰	۵۰۶۲	۱۰۸۷۵۰	۱۶۴۱۸	نشریات دانشگاهی
۱۰۱۳۳۱	۳۴۲۳	۹۱۰۸۶	۶۸۲۲	نشریات عمومی
۲۳۱۵۶۱	۸۴۸۵	۱۹۹۸۳۶	۲۳۲۴۰	کل پیکره



با نگاهی به ارقام در جدول شماره سه درمی‌یابیم که حجم کلی مقالات نقد در نشریات دانشگاهی بیش از نشریات عمومی است و حجم زیادی از مقالات (۸۶ درصد) در بخش بدنه (قسمت میانی) قرار دارد.

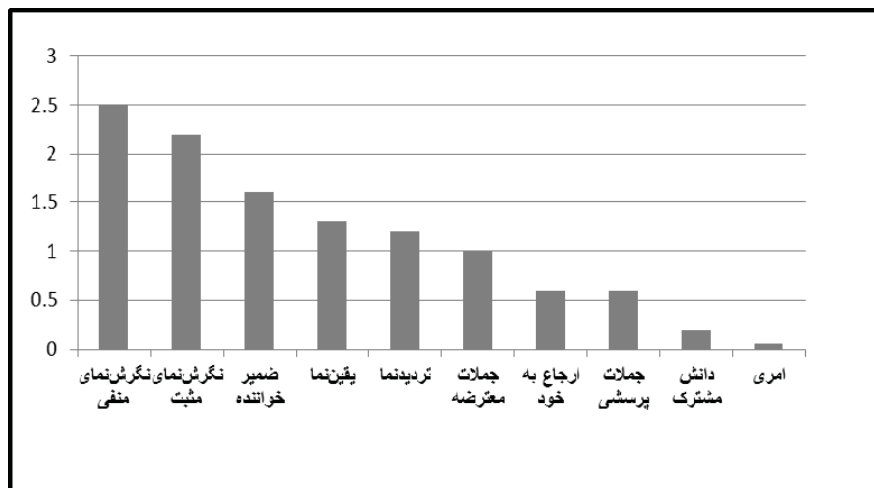
### ۸. بحث و بررسی

در این بخش، نگارنده ابتدا اطلاعات آماری کل پیکره را در قالب فراوانی خام و نیز فراوانی «در مقیاس ۱۰۰۰ واژه» از نظر گذراننده و سپس جزئیات مربوط به عناصر زبانی موضع‌گیری و مشارکت‌جویی مشاهده‌شده در پیکره را بررسی کرده است. براساس یافته‌های جدول شماره چهار، نویسندگان ۱۰۰ مقاله این پژوهش، ۱۱۸۶ بار از عناصر موضع‌گیری و ۸۵۷ بار از عناصر مشارکت‌جویی برای تعامل با خواننده استفاده کرده‌اند. به این ترتیب، فراوانی عناصر تعامل در کل پیکره، ۲۷۲۳ است. براساس مقیاس «فراوانی در ۱۰۰۰ واژه»، نویسندگان مقالات نقد پیکره حاضر به‌ازای هر ۱۱/۷ کلمه، از یک واژه یا عبارت مربوط به موضع‌گیری یا مشارکت‌جویی استفاده کرده‌اند.

### جدول ۴ فراوانی عناصر موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در کل پیکره

مجموع	مشارکت‌جویی					موضع‌گیری				
	جملات معرضه	دانش مشترک	پرسشی	امری	ضمیر خواننده	ارجاع به خود	نگرش‌نمای منفی	نگرش‌نمای مثبت	یقین‌نما	تردیدنما
۲۷۲۳	۲۵۰	۴۷	۱۵۷	۱۵	۳۸۸	۱۵۴	۵۸۱	۵۲۷	۳۰۳	۳۰۱
۱۱/۷	۱	۰/۲	۰/۶	۰/۰۶	۱/۶	۰/۶	۲/۵	۲/۲	۱/۳	۱/۲

برپایه اطلاعات جدول شماره چهار و همچنین نمودار زیر، نگرش‌نماهای منفی پربسامدترین و جملات امری کم‌بسامدترین عناصر تعامل کلامی به‌شمار می‌آیند.



شکل ۱ فراوانی عناصر موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در مقیاس ۱۰۰۰ واژه

#### ۸-۱. موضع‌گیری

در این بخش تک‌تک عناصر زبانی مربوط به موضع‌گیری بررسی شده است.

#### ۸-۱-۱. تردیدنماها

در کل پیکره پژوهش، از ۲۶ تردیدنما (با مجموع فراوانی ۲۷۶) استفاده شده است. تردیدنماهای استخراج‌شده یا قید هستند («شاید»، «تقریباً»، «گویی»، «انگار») یا به مقوله‌واژگانی فعل تعلق دارند («به‌نظر می‌رسد»، «امکان دارد»، «نمی‌دانم»). پربسامدترین تردیدنماهای کل پیکره، فعل مرکب «به‌نظر (ن)رسیدن» با فراوانی ۵۴ و قید «شاید» با فراوانی ۵۱ است. براساس یافته‌های پژوهش، منتقدان مقالات مندرج در نشریات عمومی بیش از منتقدان دانشگاهی از تردیدنماها استفاده کرده‌اند.

#### ۸-۱-۲. یقین‌نماها

در پیکره پژوهش حاضر، ۲۹ یقین‌نما با فراوانی‌های متفاوت مشاهده شد. یافته‌ها نشان می‌دهند یقین‌نماهای «باید/نباید» با فراوانی ۷۳، پربسامدترین به‌شمار می‌آیند.

## ۸-۱-۳. نگرش‌نماهای مثبت

درباره شناسایی و استخراج نگرش‌نماها باید پذیرفت که تأثیر و کارکرد این قبیل کلمات یا عبارات در شرایط مختلف متفاوت است. برای مثال، ممکن است در مقاله‌ای از یک نگرش‌نمای مثبت، مانند «راه‌گشا» برای توصیف بخشی کوتاه از یک کتاب استفاده شود؛ درحالی که امکان دارد در مقاله‌ای دیگر، منتقد از صفت «راه‌گشا» برای توصیف کل کتاب استفاده کند. بدیهی است تأثیر این صفت در دو مثال یادشده دارای ارزش یکسانی نیست؛ اما رویکرد صوری و آماری پژوهش حاضر ایجاب می‌کند محقق برای هر دو مورد ذکرشده ارزش عددی یکسانی قائل شود.

یکی از شیوه‌های رایج در نقد آثار ادبی، بیان قوت‌های اثر پس از ذکر ضعف‌های آن است. به بیان دقیق‌تر، استراتژی رایج در میان منتقدان این است که آنان ابتدا اشکال‌ها و ضعف‌های کتاب مورد نقد را بیان کرده، در پایان و به‌ویژه در بخش نتیجه مقاله، خواننده را به مطالعه کتاب ترغیب می‌کنند. برای نمونه، بند پایانی یکی از مقالات نقد نشریات عمومی چنین است: «باوجود آنچه نوشته شد، این کتاب در نوع خود تازه و پرویمان است و می‌تواند سرمشقی آموزنده و راه‌گشا برای اهل تحقیق باشد» (روح‌بخشان، ۱۳۹۲: ۶۴).

در مواردی، استفاده هم‌زمان نگرش‌نماهای مثبت و منفی در کنار یکدیگر مشاهده می‌شود. این قطعه نمونه‌ای از این کاربرد هم‌زمان است: «علم‌الجمال نیز حاصل همین تلاش‌ها و پویش‌های نویسنده است که هرچند غبار زمان بر آن نشسته، خواندن آن سودمند و خوشایند است» (اقتصادی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۱). در این نمونه، منتقد ابتدا یک نگرش‌نمای منفی («غبار زمان بر آن نشسته») را آورده و سپس با کمک دو نگرش‌نمای مثبت («سودمند» و «خوشایند») دیدگاهی مثبت درباره اثر مورد نقد بیان کرده است. در این نمونه نیز برعکس، منتقد ابتدا یک نگرش‌نمای مثبت و سپس دیدگاهی منفی را درباره کتاب مورد بررسی ذکر کرده است: «در اندکی سایه، با دل‌نامه‌ها و غمنامه‌هایی متصل به هم روبه‌رو هستیم که درعین زیبایی، به کار داستان نمی‌آیند» (یزدانی، ۱۳۸۶: ۵۷).

## ۸-۱-۴. نگرش‌نماهای منفی

براساس اطلاعات جدول شماره چهار، نگرش‌نماهای منفی با فراوانی ۵۸۱ پربسامدترین عنصر زبانی برای بیان موضع منتقدان کتاب هستند. در ادامه، دو نمونه از نقد صریح در قالب بیان نگرش‌نماهای منفی می‌آید. هر دو نمونه از نشریات عمومی استخراج شده‌اند؛ با این تفاوت که اولی به قلم منتقدی مرد و دومی به قلم منتقدی زن نوشته شده است:

«همچنین فضاپردازی داستان از فقر اطلاعاتی نویسنده نسبت به ویژگی‌های تاریخی محیط ماجراها دارد» (شاکری، ۱۳۸۶: ۴۳).

«از آنجا که وی با مباحث اتیمولوژی آشنا نبوده، تحلیل وی غالباً نادرست است» (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بیان نگرش‌نمای منفی در اغلب موارد به‌مثابه تهدید و جهت مولف است؛ به همین دلیل رعایت ادب کلامی هم‌زمان با بیان اشکال‌های اثر، موضوعی حساس است. در مواردی، منتقدان از شیوه‌هایی هوشمندانه برای بیان ضعف‌های اثر استفاده کرده‌اند؛ به‌طوری که وجهه مؤلف کتاب مورد بررسی خدشه‌دار نشود. یکی از این شیوه‌ها، بیان کاستی‌ها به‌طور تلویحی است. این نمونه جمله پایانی یک مقاله نقد درباره آخرین تصحیح دیوان اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی است: «باید سخن عبدالمنان نصرالدین را تکرار کرد که "[...] در این باب هنوز جای متن علمی، منقح و جامع اشعار شاعر خالی است"» (مشتاق‌مهر، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

## ۸-۱-۵. ارجاع به خود

در پیکره پژوهش حاضر، شیوه‌های مختلف «ارجاع به خود»، شامل استفاده از اسم‌هایی مانند «نگارنده» و ضمائر متصل به فعل مانند «یادآور شوم» است. اسم «نگارنده» با فراوانی پانزده در نشریات دانشگاهی و فراوانی بیست در نشریات عمومی، رایج‌ترین عنصر در ارجاع به خود است. ضمیر «من» نیز هفت بار (چهار بار در نشریات دانشگاهی و پنج بار در نشریات عمومی) به‌کار رفته است. همچنین، براساس یافته‌ها، منتقدان در نشریات دانشگاهی یک بار از اسم «ناقد» و یک بار از عبارت «راقم این سطور» برای ارجاع به خود استفاده کرده‌اند.

جدول شماره پنج اطلاعات آماری مربوط به فراوانی خام و فراوانی «در مقیاس ۱۰۰۰ واژه» عناصر زبانی موضع‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۵ فراوانی عناصر موضع‌گیری به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه مقالات

ابزار کلامی		مقدمه	بدنه	نتیجه	مجموع
تردیدنما	دانشگاهی	دهه هفتاد	۱۴ (۱/۷)	۵۶ (۱/۳)	۷۱ (۱/۳)
		دهه هشتاد	۵ (۰/۵)	۶۱ (۰/۹)	۷۴ (۰/۹)
	عمومی	دهه هفتاد	۶ (۱/۳)	۵۰ (۱/۱)	۶۳ (۱/۳)
		دهه هشتاد	۷ (۲/۹)	۸۱ (۱/۶)	۹۳ (۱/۷)
یقین‌نما	دانشگاهی	دهه هفتاد	۱۰ (۱/۲)	۳۸ (۰/۹)	۵۳ (۱)
		دهه هشتاد	۱۴ (۱/۶)	۷۶ (۱/۱)	۱۰۲ (۱/۲)
	عمومی	دهه هفتاد	۱۲ (۲/۶)	۴۶ (۱)	۶۰ (۱/۲)
		دهه هشتاد	۴ (۱/۷)	۷۷ (۱/۵)	۸۸ (۱/۶)
نگرش‌نمای مثبت	دانشگاهی	دهه هفتاد	۷ (۰/۸)	۴۸ (۱/۱)	۸۱ (۱/۵)
		دهه هشتاد	۱۴ (۱/۶)	۹۲ (۱/۳)	۱۵۵ (۱/۹)
	عمومی	دهه هفتاد	۱۴ (۳/۱)	۶۴ (۱/۵)	۹۸ (۲)

۱۹۳ (۳/۶)	۵۸ (۲۹/۲)	۱۲۸ (۲/۶)	۷ (۲/۹)	دهه هشتاد		
۱۰۹ (۲/۱)	۵ (۲/۷)	۱۰۱ (۲/۴)	۳ (۰/۳)	دهه هفتاد	دانشگاهی	نگرش نمای منفی
۲۶۹ (۳/۴)	۶۹ (۲۱/۱)	۱۹۹ (۲/۹)	۱ (۰/۱)	دهه هشتاد		
۸۴ (۱/۷)	۱۰ (۱۰)	۶۷ (۱/۵)	۷ (۱/۵)	دهه هفتاد	عمومی	
۱۱۹ (۲/۲)	۲۰ (۱۰)	۹۶ (۱/۹)	۳ (۱/۲)	دهه هشتاد		
۳۴ (۰/۶)	۲ (۱/۱)	۱۹ (۰/۴)	۱۳ (۱/۶)	دهه هفتاد	دانشگاهی	ارجاع به خود
۱۱ (۰/۱)	-	۱۰ (۰/۱)	۱ (۰/۱)	دهه هشتاد		
۵۲ (۱)	۳ (۲)	۳۶ (۰/۸)	۱۳ (۲/۹)	دهه هفتاد	عمومی	
۵۷ (۱)	۸ (۴)	۴۷ (۰/۹)	۲ (۰/۸)	دهه هشتاد		

## ۸-۲. مشارکت جویی

جدول زیر فراوانی عناصر زبانی مشارکت جویی را در کل پیکره نشان می‌دهد.

جدول ۶ فراوانی عناصر مشارکت‌جویی در پیکره

ابزار کلامی			مقدمه	بدنه	نتیجه	مجموع
ضمیر خواننده	دانشگاهی	دهه هفتاد	۱۵ (۱/۸)	۶۱ (۱/۴)	۹ (۴/۹)	۸۵ (۱/۶)
		دهه هشتاد	۱۴ (۱/۶)	۶۳ (۰/۹)	۵ (۱/۵)	۸۲ (۱)
	عمومی	دهه هفتاد	۳۲ (۴)	۹۳ (۲/۲)	۱۹ (۱۰/۵)	۱۴۴ (۲/۸)
		دهه هشتاد	۳ (۱/۲)	۶۹ (۱/۴)	۵ (۲/۵)	۷۷ (۱/۴)
جملات امری	دانشگاهی	دهه هفتاد	-	۴ (۰/۰۹)	-	۴ (۰/۰۷)
		دهه هشتاد	-	۵ (۰/۰۷)	۲ (۰/۶)	۷ (۰/۰۸)
	عمومی	دهه هفتاد	-	۱ (۰/۰۲)	-	۱ (۰/۰۱)
		دهه هشتاد	-	۳ (۰/۰۶)	-	۳ (۰/۰۵)
جملات پرسشی	دانشگاهی	دهه هفتاد	-	۱۴ (۰/۳)	-	۱۴ (۰/۲)
		دهه هشتاد	-	۲۸ (۰/۴)	۲ (۰/۶)	۳۰ (۰/۳)
	عمومی	دهه هفتاد	۳ (۰/۳)	۳۳ (۰/۷)	۱ (۰/۵)	۳۷ (۰/۷)
		دهه هشتاد	۳ (۱/۲)	۷۰ (۱/۴)	۳ (۱/۵)	۷۶ (۱/۴)

۵ (۰/۰۹)	-	۲ (۰/۰۴)	۳ (۰/۰۳)	دهه هفتاد	دانشگاهی	دانش مشترک
۱۸ (۰/۰۲)	۱ (۰/۰۳)	۱۶ (۰/۰۲)	۱ (۰/۰۱)	دهه هشتاد		
۸ (۰/۰۱)	-	۸ (۰/۰۱)	-	دهه هفتاد	عمومی	
۱۶ (۰/۰۳)	۱ (۰/۰۵)	۱۵ (۰/۰۳)	-	دهه هشتاد		
۶۱ (۱/۱)	۲ (۱/۱)	۴۶ (۱/۱)	۱۳ (۱/۶)	دهه هفتاد	دانشگاهی	جملات معترضه
۶۷ (۰/۰۸)	۴ (۱/۲)	۵۲ (۰/۰۷)	۱۱ (۱/۲)	دهه هشتاد		
۶۲ (۱/۲)	-	۵۴ (۱/۲)	۸ (۱)	دهه هفتاد	عمومی	
۶۰ (۱/۱)	-	۵۷ (۱/۱)	۳ (۱/۲)	دهه هشتاد		

## ۸-۲-۱. ضمیر خواننده

مطابق اطلاعات آماری جدول شماره هشت، عنصر کلامی «ضمیر خواننده» با فراوانی ۳۸۸، پرکاربردترین عنصر مشارکت جویی به شمار می‌آید. لازم است یادآوری شود که نمونه‌ای از ضمیر مستقیم خواننده («شما») مشاهده نشد؛ اما فراوانی ضمیر «ما» در کل پیکره ۳۹ (با فراوانی ۲۴ در مقالات دانشگاهی و فراوانی ۱۵ در مقالات عمومی) است. همچنین، مشخص شد که منتقدان مقالات دانشگاهی و عمومی در میزان استفاده از ضمیر خواننده تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

## ۸-۲-۲. جملات امری

جملات امری با فراوانی ۱۵ در کل پیکره، کم‌پسامدترین عنصر مشارکت جویی به شمار می‌آیند. در قالب این جملات، منتقد معمولاً خواننده را به مرور مطلبی در خود کتاب



یا حتی خارج از کتاب ترغیب می‌کند؛ مانند «رجوع کنید به داستان ذبح اسماعیل توسط [...]» (شاکری، ۱۳۸۶: ۴۲).

#### ۸-۲-۳. جملات پرسشی

داده‌های جدول شماره هشت نشان می‌دهند جملات پرسشی در مقالات نقد نشریات عمومی (با فراوانی ۱۱۳) بسیار بیشتر از جملات پرسشی در مقالات نقد نشریات دانشگاهی (با فراوانی ۴۴) هستند. در نشریات عمومی، گاه جملات پرسشی با لحن بسیار غیررسمی به کار رفته‌اند؛ مانند جمله پرسشی «کی به کیه؟» (اکسیر، ۱۳۹۲: ۲۵).

#### ۸-۲-۴. دانش مشترک

یافته‌های آماری گویای این هستند که در کل پیکره، منتقدان ۴۷ بار کوشیده‌اند بحث خود را با تکیه بر دانش و اطلاعات مشترک میان خود و خوانندگان پیش ببرند. از این نظر، تفاوتی میان مقالات نقد دانشگاهی (با فراوانی ۲۳) با مقالات نقد عمومی (با فراوانی ۲۴) مشاهده نمی‌شود. برخی عبارات و جملات ناظر بر دانش مشترک مشاهده شده در پیکره عبارت‌اند از: «همان‌طور که می‌دانیم [...]»، «چنان‌که در مقدمه ذکر شد [...]» و «چنان‌که پیشتر یادآوری شد [...]»، «بر اهل فن پوشیده نیست [...]».

#### ۸-۲-۵. جملات معترضه

تمام جملات معترضه در پیکره پژوهش در میان دو خط (- -) درج شده‌اند. در مورد فراوانی این عنصر کلامی نیز میان مقالات نقد دانشگاهی (با فراوانی ۱۲۸) و مقالات نقد عمومی (با فراوانی ۱۲۲) تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود. در ادامه، یک نمونه از جملات معترضه در مقاله‌ای درباره دیدگاه اجتماعی نیمایوشیچ آورده می‌شود:

این روستازاده دل‌بسته روستا نظریات صائب و دقیقی درباره برخی مسائل اجتماعی و سیاسی دارد که در بسیاری موارد سادگی بیانش - به‌ویژه برای خوانندگان امروزی که عادت به شنیدن حرف‌های عجیب و غریب کرده‌اند - باعث می‌شود خواننده متوجه بداعت حرف‌هایش نشود (امیرفریار، ۱۳۹۱: ۱۴).

### ۸-۳. موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در نشریات دانشگاهی و عمومی

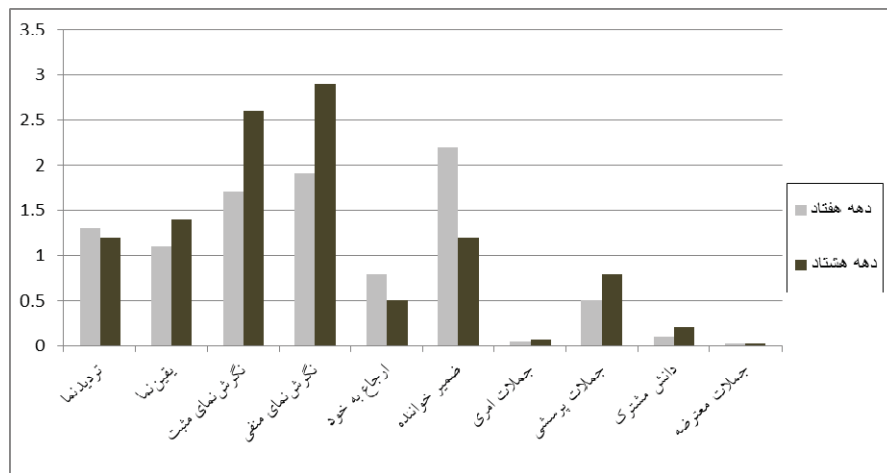
فراوانی عناصر تردیدنما، یقین‌نما و نگرش‌نمای مثبت در مقالات نقد نشریات دانشگاهی و عمومی تفاوت چندانی ندارد؛ هرچند از نظر استفاده از برخی صورت‌های زبانی مانند «شاید» یا «باید» تفاوت‌هایی دیده می‌شود. تفاوت مهم میان نشریات دانشگاهی و عمومی، در نگرش‌نماهای منفی و ارجاع به خود است. وجود ۳۷۸ نگرش‌نمای منفی در مقالات نقد دانشگاهی در مقابل ۲۰۳ نگرش‌نمای منفی در مقالات عمومی حاکی از آن است که منتقدان نشریات دانشگاهی در ارزیابی و ذکر ایرادهای آثار ادبی جدی‌تر و سخت‌گیرترند. تفاوت بارز دیگر در حوزه ارجاع به خود دیده می‌شود. برپایه اطلاعات آماری جدول شماره هفت، فراوانی عنصر ارجاع به خود در نشریات عمومی بیش از دو برابر این عنصر در نشریات دانشگاهی است. به بیان دیگر، منتقدان نشریات دانشگاهی از ساختارهای زبانی خنثی و عینی بیشتری استفاده کرده‌اند و برعکس، منتقدان نشریات عمومی با استفاده از ضمیر «من»، کلماتی مانند «این‌جانب» و حتی ترکیب‌هایی نظیر «خودِ مخلص»، حضور پررنگ‌تری از خود در متن مقالات نقد به‌نمایش گذاشته‌اند.

درباره مشارکت‌جویی نیز الگویی کم‌وبیش مشابه در دو عنصر دانش مشترک و جملات معترضه دیده می‌شود؛ درحالی که درباب سه عنصر دیگر تفاوت‌های معنادار وجود دارد. مطابق با یافته‌های جدول شماره هشت، استفاده از ضمیر خواننده در نشریات عمومی (با فراوانی ۲۲۱) به مراتب بیشتر از فراوانی این عنصر در نشریات دانشگاهی (با فراوانی ۱۶۷) است. بنابراین نتیجه می‌گیریم منتقدان نشریات عمومی در استفاده از ضمیر خواننده جهت مشارکت‌جویی خوانندگان خود بیشتر تلاش می‌کنند. برعکس، فراوانی جملات امری در نشریات دانشگاهی بیشتر است. در زمینه عنصر جملات پرسشی تفاوتی عمده مشاهده می‌شود؛ به طوری که منتقدان نشریات عمومی ۱۱۳ بار از ساخت پرسشی استفاده کرده‌اند.

### ۸-۴. موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در طول زمان

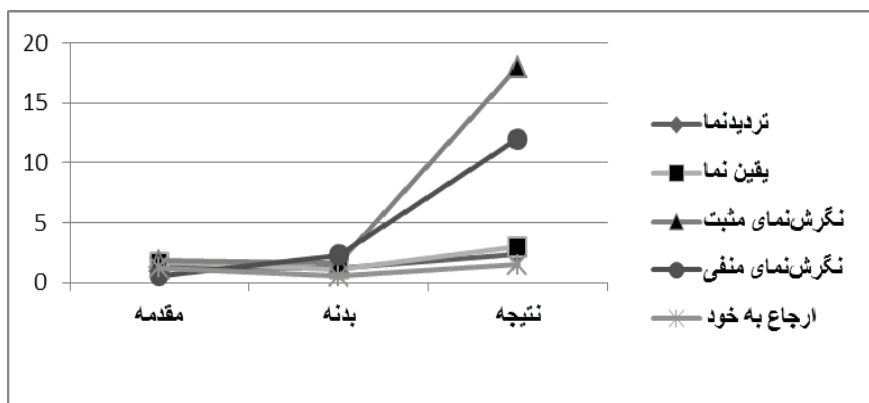
نمودار زیر میانگین فراوانی عناصر تعامل را در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینیم، استفاده از تردیدنماها و یقین‌نماها، و همچنین جملات امری، دانش مشترک و جملات معترضه در طول بیست سال گذشته تغییر چندانی نداشته

است. تغییر نسبتاً چشمگیر در نگرش‌نماها مشاهده می‌شود؛ به طوری که فراوانی نگرش‌نماها، اعم از مثبت و منفی در دهه هشتاد افزایش داشته است. این امر نشان می‌دهد در دهه هشتاد، منتقدان به میزان بیشتری به جنبه‌های مثبت یا منفی اثر مورد بررسی پرداخته‌اند. نکته درخور تأمل دیگر، کاهش فراوانی عناصر زبانی ارجاع به خود و ضمیر خواننده است. به بیان دقیق‌تر، منتقدان در دهه هشتاد در مقایسه با دهه هفتاد، کمتر به خود اشاره کرده و در جلب مشارکت خواننده نیز کمتر کوشیده‌اند.



شکل ۲ موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰

۸-۵. موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه یکی از اهداف پژوهش حاضر، بررسی میزان فراوانی عناصر موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در سه بخش مقالات بوده و به همین دلیل، اطلاعات آماری جدول‌های هفت و هشت به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه آمده است. در ادامه، دو نمودار فراوانی عناصر موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی ارائه می‌شود.

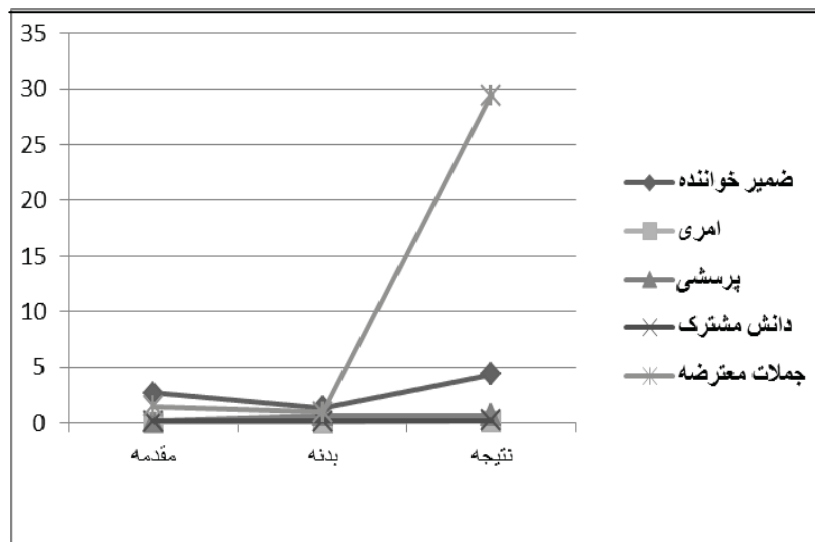


شکل ۳ فراوانی عناصر موضع‌گیری به تفکیک سه بخش مقاله نقد

براساس شکل شماره سه، فراوانی تقریباً تمام عناصر موضع‌گیری در بخش‌های مقدمه و بدنه یکسان است و تغییرات، اعم از افزایش (در نگرش‌نماهای منفی) یا کاهش (در یقین‌نماها) بسیار کم است؛ در حالی که در بخش بدنه مقالات به‌ویژه در فراوانی دو عنصر نگرش‌نمای مثبت و منفی، شاهد افزایش چشمگیری در بخش نتیجه مقالات هستیم. به بیان دیگر، منتقدان به‌طور کلی، دیدگاه‌ها و نگرش‌های خود، اعم از مثبت یا منفی را در بخش پایانی مقالات بیان کرده‌اند.

از نکات تأمل برانگیز درباره فراوانی عناصر مشارکت‌جویی در شکل شماره چهار این است که همچون عناصر مربوط به موضع‌گیری، الگویی مشابه دیده نمی‌شود. البته، عناصر مربوط به جملات پرسشی، جملات امری و دانش مشترک از الگویی کم‌ویش یکسان پیروی می‌کنند؛ به‌طوری که فراوانی این سه عنصر در بخش مقدمه مقالات کم است، در بخش بدنه اندکی افزایش می‌یابد و این افزایش تا بخش نتیجه مقالات ادامه پیدا می‌کند. الگوی فراوانی دو عنصر دیگر، یعنی ضمیر خواننده و جملات معترضه کاملاً متفاوت است. فراوانی این دو عنصر در بخش مقدمه، نسبت به سه عنصر دیگر بیشتر است و در هر دو عنصر کاهشی شدید در بخش بدنه مقالات مشاهده می‌شود. تفاوت بارز این دو عنصر در بخش نتیجه مقالات نمایان می‌شود؛ به‌طوری که فراوانی

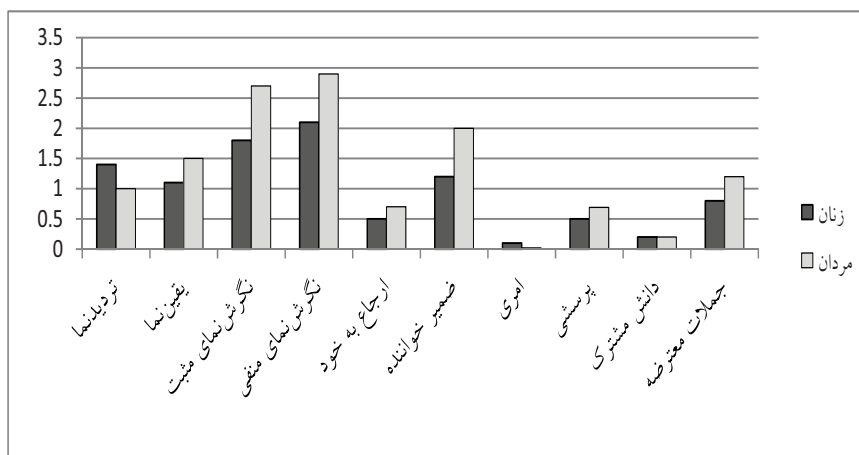
جملات معترضه به‌گونه‌ای محسوس در بخش نتیجه کاهش می‌یابد؛ درحالی‌که فراوانی ضمیر خواننده در بخش پایانی مقالات ناگهان و به‌گونه‌ای معنادار افزایش پیدا می‌کند. شیب تند نوار مربوط به ضمیر خواننده در شکل شماره چهار نشان می‌دهد نویسندگان مقالات نقد- دست‌کم مقالات بررسی‌شده در این پژوهش- در بخش پایانی مقالات با استفاده از عنصر کلامی ضمیر خواننده (استفاده از ضمیر «ما»، و افعالی مانند «می‌خوانیم»، «می‌کنیم» و غیره) کوشیده‌اند مشارکت خوانندگان مقالات را با خود تثبیت کرده، مخاطبان را در نتیجه‌گیری با خود همراه کنند.



شکل ۴ فراوانی عناصر مشارکت‌جویی به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه

#### ۸-۶. موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی به تفکیک گروه زنان و مردان

یکی از پرسش‌های پژوهش حاضر، بررسی شباهت‌ها یا تفاوت‌های احتمالی دو گروه منتقدان زن و مرد در استفاده از عناصر موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی است. نمودار زیر مقایسه‌ای از فراوانی عناصر مورد مطالعه در میان منتقدان زن و مرد را ارائه می‌دهد.



شکل ۵ فراوانی عناصر موضع‌گیری و مشارکت‌جویی به تفکیک گروه زنان و مردان

براساس این نمودار، منتقدان زن و مرد در استفاده از دو عنصر زبانی «ارجاع به خود» و استفاده از «جملات معترضه» یکسان عمل کرده‌اند. در بخش تردیدنماها، فراوانی تردیدنماها در پیکره گروه زنان (در مقیاس ۱۰۰۰ واژه) معادل ۱/۷ و در گروه مردان ۱/۳ است. به این ترتیب درمی‌یابیم منتقدان زن دیدگاه‌ها و مواضع خود را با تردید بیشتری مطرح کرده‌اند. برعکس، ستون مربوط به یقین‌نماها نشان می‌دهد مردان با یقین بیشتری به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. در هر دو ستون نگرش‌نماهای مثبت و منفی نیز مشاهده می‌شود که فراوانی این دو عنصر زبانی در متون نقد مردان بیش از پیکره زنان است. به بیان دیگر، مردان بیش از زنان به ارزش‌های مثبت یا منفی اثر مورد نقد اشاره کرده‌اند. درباره سه عنصر مربوط به مشارکت‌جویی، شامل جملات امری، جملات پرسشی و دانش مشترک مشاهده می‌شود که زنان بیش از مردان از عناصر زبانی استفاده کرده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی درمی‌یابیم که فراوانی عناصر زبانی موضع‌گیری و مشارکت‌جویی در گروه مردان (با فراوانی ۱۳/۳ در ۱۰۰۰ واژه) بیش از گروه زنان (با فراوانی ۱۰/۱ در ۱۰۰۰ واژه) است. البته، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در بخش متغیرهای مربوط به مشارکت‌جویی، جز ضمیر خواننده (فراوانی بیشتر در پیکره مردان) و جملات معترضه (فراوانی برابر)، در سه عنصر دیگر، شاهد فراوانی

بیشتر عناصر زبانی در پیکره گروه زنان هستیم؛ بنابراین منتقدان زن به مشارکت مخاطب بیشتر توجه داشته و برای دستیابی به این هدف از جملات امری، پرسشی و ساخت‌های مربوط به دانش مشترک بیشتر استفاده کرده‌اند.

### ۹. نتیجه

در این پژوهش یکصد مقاله نقد کتاب‌های ادبیات فارسی، اعم از آثار نظم، نثر، کلاسیک و جدید از ۲۵ نشریه دانشگاهی و عمومی انتخاب، و عناصر زبانی مربوط به موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی مقالات مذکور شناسایی و استخراج شد. شمارش عناصر زبانی استخراج‌شده نشان داد منتقدان در نگارش مقالات نقد از انواع مختلف عناصر زبانی برای بیان دیدگاهشان و نیز همراه کردن خواننده با خود استفاده کرده‌اند و در این میان، نگرش‌نماهای منفی و جملات معترضه به‌ترتیب پربسامدترین و کم‌بسامدترین عناصر زبانی تعامل هستند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که منتقدان نشریات دانشگاهی از نگرش‌نماهای منفی و منتقدان نشریات عمومی از عناصر ارجاع به خود بیشتر استفاده کرده‌اند. در زمینه مشارکت‌جویی نیز مشاهده شد که منتقدان در نشریات عمومی اغلب، با تکیه بر دو عنصر ضمیر خواننده و جملات پرسشی، برای ارتباط مستقیم با خواننده و مشارکت او در خوانش متن، بیشتر کوشیده‌اند. براساس یافته‌های آماری، فراوانی نگرش‌نماها، اعم از مثبت و منفی در دهه هشتاد نسبت به دهه هفتاد افزایش یافته است. نکته دیگر این است که در سال‌های اخیر، فراوانی عناصر زبانی ارجاع به خود و نیز ضمیر خواننده کاهش یافته است. توزیع عناصر زبانی مربوط به موضوع‌گیری و مشارکت‌جویی در سه بخش هر مقاله نیز یکسان نیست و این عناصر به‌ویژه نگرش‌نماها و ضمیر خواننده اغلب در بخش نتیجه مقالات به‌کار رفته‌اند. همچنین، مشخص شد که در ارزیابی کتاب‌های ادبی، منتقدان مرد به میزان بیشتر و البته صریح‌تر، موضوع‌گیری کرده و منتقدان زن بیشتر به عناصر مشارکت‌جویی متوسل شده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

1. interaction
2. stance
3. engagement
4. D. Motta-Roth
5. G. De Carvalho
6. L.T. Suarez
7. A.I. Moreno
8. Tse & Hyland
9. attitude marker
10. hedges
11. booster

۱۲. metadiscourse: مفهوم فراگفتمان ناظر به این واقعیت است که ارتباط کلامی صرفاً ردوبدل شدن اطلاعات نیست؛ بلکه در خلال آن طرفین ارتباط تصورات، دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و حتی تعصبات خود را به طرف مقابل القا می‌کنند.

13. self-reference
14. shared knowledge

## منابع

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۶). «انتقاد ادبی» در *کتاب نقد و نقد کتاب*. به‌اهتمام جمعی از نویسندگان. تهران: مؤسسه خانه کتاب. صص ۱۵۵-۱۵۸.
- اقتصادی‌نیا، سایه (۱۳۹۰). «سیمین دانشور نویسنده، سیمین دانشور پژوهشگر». *نامه فرهنگستان*. د. ۱۲. ش ۲. صص ۱۱۰-۱۱۶.
- اکسیر، اکبر (۱۳۹۲). «صدای صادق آقای صداقت و چند تا نقطه...». *جهان کتاب*. س ۱۸. ش ۶-۷. ص ۲۵.
- امیرفریاری، فرخ (۱۳۹۱). «روایت زندگی نیما». *جهان کتاب*. س ۱۷. ش ۶-۸. صص ۱۴-۱۵.
- خانه کتاب (۱۳۸۶). *کتاب نقد و نقد کتاب*. به‌اهتمام جمعی از نویسندگان. تهران.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۶). «آیین نقد کتاب» در *کتاب نقد و نقد کتاب*. به‌اهتمام جمعی از نویسندگان. تهران: مؤسسه خانه کتاب. صص ۱۳-۳۶.
- رضایی، سیده‌نرگس (۱۳۸۸). «معرفی و نقد کتاب اصول فرهنگ‌نویسی در انجمن آرای ناصری». *نشریه ادب و زبان* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدباهنر کرمان). دوره جدید. ش ۲۶. (۲۳). صص ۱۸۳-۲۰۲.



- روح‌بخشان، ع. (۱۳۹۲). «ادب فارسی در کشور آفتاب‌تابان». *فصلنامه نقد و بررسی کتاب تهران*. ش ۳۸. صص ۶۱-۶۴.
- شاکری، احمد (۱۳۸۶). «شاهزاده‌ای که می‌خواست در خواب بماند». *ماهنامه ادبیات داستانی*. س ۱۳. ش ۱۱۲. صص ۳۸-۴۳.
- مشتاق‌مهر، رحمان (۱۳۸۸). «بررسی انتقادی آخرین تصحیح دیوان اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی». *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت‌معلم آذربایجان*. س ۳. شماره اختصاصی زبان و ادبیات فارسی (۷). صص ۱۶۳-۲۰۰.
- یزدانی، محبوبه (۱۳۸۶). «اندکی سایه، داستانی بدون قصه». *ماهنامه ادبیات داستانی*. ش ۱۰۸. ص ۵۷.
- Amirfaryar, F. (2012). "A Narration of Nima's Life". *Jahān-e-Ketāb*. No. 6- 8. Pp.14- 15. [In Persian]
- De Carvalho, G. (2001). "Rhetorical Patterns of Academic Book Reviews Written in Portuguese and in English" in *2<sup>nd</sup> International Linguistics Conference*. Rio de Janeiro. Brazil: Universidade do Estado do Rio de Janeiro. Pp. 261- 268.
- Eghbal Ashtiani, A. (2007). "Literary Criticism" in *The Book of Criticism and Book Review*. by a Number of Authors. Tehran: The Institute of Khane-ye-Ketab. Pp. 155- 158. [In Persian]
- Eghtesadinia, S. (2011). "Simin Daneshvar as the Writer, Simin Daneshvar as the Scholar". *Nāme-ye-Farhangestān*. Vol. XII. No.2. Pp. 110- 116. [In Persian]
- Eksir, A. (2013). "The Honest Voice of Mr Sedaghat and Some Points..." *Jahān-e-Ketāb*. No. 6- 7. P. 25. [In Persian]
- Hyland, K. (1998). *Hedging in Scientific Research Articles*. Amsterdam: John Benjamins.
- \_\_\_\_\_ (2002). "Activity Analysis and Evaluation: Reporting Practices in Academic Writing" in J. Flowerdew (Ed.). *Academic Discourse*. London: Longman. Pp. 115- 30.
- \_\_\_\_\_ (2005). *Metadiscourse: Exploring Interaction in Writing*. London: Continuum.
- Hyland, K. & P. Tse (2004). "Metadiscourse in Academic Writing: A Reappraisal". *Applied Linguistics*. XXV. 2. Pp. 156- 177.
- Khane-ye-Ketab (2007). *The Book of Criticism and Book Review*. by a Number of Authors. Tehran: The Institute of Khane-ye-Ketab. [In Persian]
- Khorramshahi, B. (2007). "Methodology of Book Review" in *The Book of Criticism and Book Review*. by a Number of Authors. Tehran: The Institute of Khane-ye-Ketab. [In Persian]

- Moshtaghmehr, R. (2009). "A Critical Review of the Latest Edition of Divan-e Abu Abdollah Jafar ibn Mohammad Rudaki". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities in Azerbaijan Tarbiyat Mo'alleh University*. Special Issue on Persian Language and Literature. No. 7. Pp. 163- 200. [In Persian]
- Motta-Roth, D. (1998). "Discourse Analysis and Academic Book Reviews: A Study of Text and Disciplinary Cultures" in I. Fortanet, S. Posteguillo, J.C. Palmer & J.F. Coll (Eds.). *Genre Studies in English for Academic Purposes*. Catello. Universitat Jaume I. Pp. 29- 58.
- Rezaei, S.N. (2009). "A Critique of Lexicography Principles in 'Anjoman Araye Nasser'i'". *Journal of Literature and Language*. No. 26. Pp. 183- 202. [In Persian]
- Rouhbakhshan, E. (2013). "Persian Literature in the Land of Rising Sun". *Tehran Book Review Quarterly*. No. 38. Pp. 61- 64. [In Persian]
- Suarez Tejerina, L. & I. Moreno Ana (2008). "The Rhetorical Structure of Literary Academic Book Reviews: An English-Spanish Cross-linguistic Approach" in U. Connor, E. Nagelhout & W. Rozycki (Eds.). *Contrastive Rhetoric: Reaching to Intercultural Rhetoric*. Amsterdam: Benjamins. Pp. 147- 168.
- Tse, P. & K. Hyland (2009). "Discipline and Gender: Constructing Rhetorical Identity in Book Reviews" in K. Hyland & G. Diani (Eds.). *Academic Evaluation: Review Genres in University Settings*. Palgrave Macmillan. Pp. 105- 121.
- Yazdani, M. (2007). "A Little Shadow, a Story without Narration". *Fiction Monthly*. No. 108. P. 57. [In Persian]